

به نام خدا روشنفکران ایرانی و خداوندان جنگ

به احتمال قوی هنگامی که آیندگان بخواهند شرایط امروز و نقش رسانه های ارتباط جمعی را تبیین کنند مسلماً گویا را به عنوان یکی از رسانه یا به عبارتی تریبونهای مشخص خواهند کرد که نقشی کمتر از روزنامه های عصر مشروطیت نخواهد داشت با این تفاوت که به جای تبدیل شدن به تریبون جریانی خاص به رسانه ای برای ارتباط میان ملتی تبدیل شده که بنا به شرایط روزگار در اقصی نقاط جهان پراکنده میباشد نقشی که هیچ رسانه دیگری تا کنون نتوانسته از پس آن برآید ، گرچه اگر چند روز اخیر خواننده ای به خواندن مقالات سفارشی عسدار بالایی صفحه اکتفا می کرد ، می پنداشت که موجهی جهت حمایت از مرد نیمه عاقل کاخ سفید در این رسانه به راه افتاده ولی خوشبختانه با دیدن مقالات در قسمت بوفه یا لژ این رسانه درمی یافت که هنوز گویا با آنکه برای برخی نویسندگان اولویت قائل است ولی دیگران را نیز که می خواهند همچون اکثر مردم جهان ، دنیائی خالی از جنگ داشته باشند ، فراموش نکرده است . با تمام این اوصاف برای این رسانه بخصوص در سال جدید ، حقا باید آرزوی موفقیت و بقا نمود زیرا که چه بسیار ایرانیان و افکارشان را به هم ارتباط داده است .

در یکی دو هفته گذشته پس از اینکه جناح راست حاکم بر تیم کاخ سفید ذوب در هالی برتون «۱» و شورون «۲» ، مست بوی نفت همه قوائد و سازمانهای جهانی را به هیچ گرفته و به کشوری با مردمی زجرکشیده که گروگان نوکر وفادار سابقشان می باشند ، حمله نمود (که البته از تیم کاخ سفید که هیچکدامشان حتی به عنوان نمونه ، سابقه ای غیر از کار کردن در شرکت های نفتی و سازمانهای نظامی ندارند این حرکت بعید نمی باشد) ، جامعه روشنفکری ایران نیز دچار جبهه بندی جدیدی گشت که از جهاتی تقریباً بیشتر آن غیر قابل پیشبینی بود که نمود آن بطور بارز در بحثها و مقالات گویا نیز نمود یافت .

تا قبل از شروع تهاجم به نظر میرسید که جبهه طرفدار جنگ بیشتر شامل راستهای خارج نشین همچون سلطنت طلبها باشد که به دنبال بازگشت به هر قیمتی حتی حکومت همچون ” پوئی “ «۳» آخرین امپراتور چین در منچوری اشغال شده ژاپن و راستهای داخلی که به دنبال بهانه برای تکمیل سرکوب داخلی و معامله با امریکای پیروز و نفت دوست میباشند ، را شامل خواهد شد درمقابل به نظر میرسید جبهه هوادار صلح از چپهای خارج از کشور که خود در جریان حرکت های صلح طلبی روشنفکری جدید می باشند و چپهای داخل که پس از شکست سنگین خود در انتخابات شوراها که ثمره عدم انسجام و قدرت طلبیهای داخلی آن که در هر اتحاد اتوبوسی همچون دوم خرداد دور از ذهن نمیباشد ، تشکیل خواهد شد ، بخصوص اتوبوس دوم خرداد که پس از قدرت طلبیهای کسانی همچون اصغر زاده در آستانه قدرت که انسان را به یاد سخن آیت الله طالقانی درباره مجاهدین می اندازد که می گفت ” غوره نشده می خواهند مویز بشوند “ و یا سود طلبی عده ای همچون ملک مدنی که به قیمت کاهش قدرت خرید مسکن مردم ایران به میزان ۷۰ % و ضربه مهلکی که به وجهه جبهه دوم خرداد در تهران و به تبع آن کل کشور وارد نمود که حتی داد هم حزبی خود نوریخس را به خاطر تخریب روند تورم در کشور را نیز درآورد و فقط سود آن به جیب عده ای رفت که با آگاهی قبلی و آژنه تراکم را جدی گرفته بودند ، بازمانده های این جبهه احتیاج به باسازي و جبهه مردمی خود داشتند .

اما با شروع جنگ پیشبینیها آنطور که انتظار می رفت به واقعیت نرسید و نشان داد چون همیشه نمی توان همه چیز را در جامعه سیاسی ایران پیشبینی نمود ، گرچه جناح راست خارج با سکوت رضایت باری به اوضاع می نگرد ولی راست داخلی پس از پیروزی خود در انتخابات به اتکا چهره های گمنامی که اسمشان در پرونده های خداداد و المکاسب به چشم نمی خورد و یا دخلی در صندوق موروئی پسته های نفتی ندارند و باری يك اقلیت طرفدار ولی منسجم و وفادار در اولین انتخابات پس از ده سال بدون اتکا به استصواب به پیروزی رسیده بود ، ضمن مزه مزه کردن پیروزی بدون نظارت و استصواب و با نیت گسترش وجهه

مردمی خود بر پایه ارائه چهره ها و سیاستهای جدید و در کنار آن با روشن شدن اینکه تیم نیمه عاقل کاخ سفید به هیچ چیز جز نفت تعهدی نداشته و به راحتی میثاقی چون سازمان ملل را زیر پا می گذارد و به هیچ عنوان نمی توان آنرا به عنوان يك شریک مذاکره به حساب آورد ، جناح راست داخلی هر چند دیر ، به فکر پیوستن به مخالفان جنگ گرفت تا ضمن سوار شدن بر موج مخالفت با جنگ که روز به روز در لایه های مختلف جامعه ایرانی نفوذ میکند به این نکته نیز واقف شده که تنها کسی که در کل خاورمیانه مورد اعتماد و طرف مذاکره کاخ سفید خواهد بود ، کارمند افغانی در حال حاضر مامور به خدمت در دولت شرکت نفتی یونوکال «۴» ، یعنی زلمای خلیل زاد میباشد و بس ، او نیز تا ژنرال تامی فرانکس آن کشور را Clear «۵» اعلام نکند با کسی که آنها جز کارمندان و وابستگان مافیای نفتی کاخ سفید نخواهند بود ، مذاکره نخواهد کرد .

در عین حال در جناح چپ داخلی نیز که هنوز از ضربات پیاپی حریف خود در کنار تیرهایی که از پشت به ستون فقرات او وارد شده بود گیج است و بر خلاف حرکت های مرسوم چپ در جهان از نظر تحلیلهای تئوریک

نسبتاً حرفی برای گفتن ندارد و معدود کسانی که روزی به عنوان تنورسین آن مطرح بودند در محاق به سر می برند ، این جناح دچار یکی دیگر از اختلافات داخلی خویش شد که شاید پر آینده به عمیق ترین آنها تبدیل شود ، بخش سنتی آن با نا امیدی از جناح تندرو و جوان آن که روز به روز جایگاه مردمی خود را از دست می دهد هر روز بیش از گذشته منافع خود را با منافع جناح راست نزدیک می بیند در مقابل بخش تندرو با نا امیدی از هر پروسه دموکراتیک که عقربه را به نفع ایشان بچرخاند ، تنها راه باقی ماندن خود را در بازی را افزایش فشارهای مستقیم و غیر مستقیم آمریکا به ایران می داند با رویکردی مشابه جناح راست خارج بالخص گروهائی چون سلطنت طلبان امیدشان به پیروزی و گرفتن قدرت حتی به قیمت شریک شدن در حکومتی چون فرانسه ویشی «۶» می باشند و رویکرد های حمایت از جنگ گروهائی همچون بخشهای از دفتر تحکیم که «وحدت» در آن چند سالیست به چشم نمی خورد و شاخه های هوادار آن در برخی از دانشگاهها در این جهت می توان ارزیابی نمود .

در کنار آن چپهای خارج که بر آمده طوفانهای تنوریک سالهای پنجاه و شصت می باشند و برعکس چپ داخل دارای تراکم تحلیلهای تنوریک هستند و در جریان آخرین تحولات جهانی ، همچون قاطبه حرکتی چپ در جهان با اکثریتی قریب به اتفاق در مقابل جنگ و جنگ طلبی سنگر بندی نمودند گرچه در این سنگر بندی عده ای نیز نگران همسنگران گذشته خود می باشند که در عراق گرفتار شده اند .

در این معرکه روشنفکران ایرانی نیز هرکدام با تفکری خاص به یک طرف این جبهه بندی ها پیوستند ، عده بسیاری به تبعیت از موج برخاسته جهانی ضد جنگ در پاسخ به ندای جامعه جهانی جهانی برای آرمان صلح پاسخ گفتند و عده ای نیز که برخی از آنان نویسندگان صاحب عکس گویا هستند به حامیان جنگ پیوستند که هرکدام تعریفی و منطقی برای کار خود داشتند ،

عده ای چون استاد گرامی نوری زاده ویا مسعود بهنود که گرگ باران دیده سیاست هستند با جابجائی سیاسی در پشت رزمندگان و شهدای ایران در جنگ هشت ساله و مظلومیتشان سنگر گرفتند کسانی که در فرهنگ خارج نشینان بایک کلمه «پاسدار» طبقه بندی می شدند و هر بلائی از نوع شیمیائی و میکروبی و... بر سرشان می آمد حقتشان بود ، که البته این منطق گرچه دیر یا سیاسی اتخاذ شده ولی کسی نمی تواند آنرا به راحتی زیر سؤال ببرد .

در کنار آن عده ای نیز در مقالات یکی دو نفره به فرض را به پیروزی سریع ارتش ورماخت «۷» آمریکا گذاشته بودند ودر حال تبیین تنوری جهت همکاری با استعمار جدید در کلونیهای مسلمان نشین بودند یا به عبارتی بندگی و بردگی را در این کلونیاها تنوریزه می کرد .

اما در کنار آن عده دیگر دلایل خود را در حمایت از یک جنگ همه جانبه که ایران را هم در بر بگیرد مسائلی عنوان می کردند که نوعی طنز ولی از نوع تلخ در آن مستتطر بود ، همچون خانمی که بخاطر دعوای مدیر مدرسه ایشان که ظاهراً به خاطر طرفداری ایشان از گروههای چپ در سالهای شصت بوده بر خلاف مشی امروزه این گروهها خواهان جنگی فراگیر با گستره ایران بودند تا حتی به قیمت مرگ صدها هزار انسان ، عقده های خود را تسکین دهند .

اما یکی از طنز آمیز ترین این نظریات، نظریات دوست عزیز بود که پس از طی کردن سالهای کودکی و جوانی در ایران و حال و هوای آن که بیشتر آن پس از انقلاب بوده و نوشتن چند مقاله در روزنامه های دوم خردادی و سپس صاحب ستونی در گویا شدن چند ماهی است که برای اولین بار به بلاد فرنگ آمده اند و ظاهراً پس گذراندن جوانی در ایران حال با دیدن بلاد فرنگ و آزاد شدن از زیر فشارهایی که ظاهراً در ایران بسیار شدید بوده ! ، جدیداً کشف نموده اند که تمام مشکلات سیاسی و راه حل آنرا در مسائل جنسی! و جوانب آن میباشد و نظریه فرویدیسم سیاسی را ابداع نموده اند که ظاهراً در زندگی سیاسی و شخصی ایشان بسیار متمر ثمر بوده و جدیداً نیز ظاهراً بنا به وحی به عنوان سخنگوی نسل جوان ایران برگزیده شده اند تا با رسالت رفع فشارهای مورد نظرشان!؟ هرکه را مخالفشان می باشد با قلم نه چندان با حیا ایشان محکوم به نسل گذشته بودن می کنند و آرمانهای آنرا به سخره می گیرند ! غافل از اینکه این آرمانها هرچه بوده اند به اندازه رفع غریب جنسی پیش و پا افتاده نبوده که ظاهراً برای ایشان به خصوص پس از ورود به فرنگ عینیتهای خاص یافته . ، آرمانهایی چون آزادی و برابری و عدالت و دموکراسی و استقلال و... آرمانهای یک نسل نمی باشد ، آرمانهای یک ملت می باشد که در طول نسلها ادامه داشته و برخلاف آمار های از راه دور ایشان در نسل جوان امروز نیز وجود دارد و این آرمانها آنقدر ارزش داشته که عده ای برای آن از جانانشان نیز در سنگر های جبهه و یا پای دیوار های زندان گذشته اند ، و حال فکر نمی کنم ایشان خودشان نیز حاضر باشند برای آرمان تازه یافته ایشان از چیزی! بگذرند چه برسد به جان ، حال بر اساس تنوری ایشان ارتش آمریکا باید جاده صافکن ساخت یک لاس وگاس برای ایشان در ایران باشد تا ایشان به آزمایش کم و کیف نظریات جدید خود بدون احتیاج به پرداخت دلار و یورور بپردازند آنهم زیر سایه رهبری کسانی چون مشرف

و کرزای؟! ، که البته هر چند امروز کاخ سفید در اشغال عده ای نیمه عاقل است ولی بعید به نظر می رسد به این حد احمق باشند تا جاده صافکن چنین مقصد جنون انگیزی باشند .

در عین حال در پایان باید یاد آوری کرد که جنگی که دامن ایران را بگیرد هرگز چون افغانستان نخواهد بود که ظرف يك ماه افتتاح نایت کلاب ارتش آمریکا را در کابل عده ای خوشخیال جشن بگیرند یا حتی همچون عراق ، اگر بر فرض محال نیروهای نظامی ایران از نظر تجهیزات و نفرات در حد ارتش عراق باشد و یا ساده لوحانه تن به خلع سلاح قبل از حمله بدهد و مردم ایران نیز اتحاد و غیرتی در حد مردم عراق داشته باشند که این دو در خرمشهر و فو با یکدیگر قیاس شده اند ، باز يك نگاه به جغرافیای ایران نشان می دهد که اگر دستور ترك مقاومتی از مرکز نرسد ، ارتش دشمن برای گذشتن از دیواره های طبیعی دفاعی آن باید پی خونبار ترین جنگهای تاریخ را به تن بمالند همانطوریکه صدام با پشتیبانی دنیای آنروز این امر را امتحان کرد . گرچه با دستور ترك مقاومت نیز دلیرانی چون ”بایندر“ «۸» بیش از ام القصر در برابر مهاجمان مقاومت نموده اند ، حال اینکه پنتاگون بهتر میدانند در ده سالی که به تدریج بر های صدام را می کند و قدرت نظامی او را به يك چهارم آنها در حالت ساکن و تدافعی کاهش داد ، ساده لوحترین حکومتها نیز در ایران دست روی دست نمی گذارند ، و میدانند که ایران همچون عراق نه تنها از جنوب به قبایل شیخ نشین نفتی و از شمال به بن بست ترکیه گرفتار نیامده .

هر عقل سالمی می داند که راه حل ایجاد تغییر در ایران با استفاده از نیروی بیگانه حتی اگر به ثمر برسد خون بار ترین گزینه تاریخ معاصر در خاورمیانه میباشد ، حال اینکه خوشبینانه ترین پیشبینی ها نیز نمی تواند نتیجه چنین جنگی را به نفع نیروی مهاجم پیشبینی نماید .

کمال فرهاد

لندن

- ۱- هالی برتون- شرکت نفتی آمریکایی میباشد که دیک چنی تا قبل از معاونت ریاست جمهوری در آن نفر دوم شرکت بود ، همچنین علاوه بر سهام خانواده بوش در این شرکت ، شرکت نفتی جورج بوش کوچک نیز در این شرکت ادغام گردیده .
- ۲- شورون - شرکت نفتی آمریکایی با شعار (سمبل شراکت) که از کادر دفتر مرکزی خود خانم کاندولیزا رایس را به کاخ سفید فرستاد تا به عنوان سمبل شراکت در کاخ سفید هم نقشی داشته باشد و به همین مناسبت نام جدیدترین سوپر نفت کش خود را کاندولیزا نامیده خود عملی تمثیل وار است .
- ۳- پوئی - آخرین امپراطور چین که پس از خلع در نتیجه انقلابات و فعل و انفعالات داخلی چین بعدا در بخشی از چین اشغالی توسط ارتش ژاپن ، به عنوان مهره ای دست نشانده چند صباحی سلطنتی ظاهری داشت که با تسلیم ژاپن ، سلطنت ظاهری او بر بخش کوچکی از سرزمین چین (منچوری) نیز پایان یافت .
- ۴- یونوکال- شرکت دیگری از شرکتهای نفتی امریکایی ، که به اشخاصی چون زلمای خلیل زاد ، حامد کرزای و پل ولفنیتز را به کاخ سفید هدیه نموده است .
- ۵- Clear – عبارتی نظامی در زبان انگلیسی که معمولا پس از پاکسازی شدن يك محل توسط مسئولین پاکسازی به عنوان پایان کار اعلام مگردد.
- ۶- ویشی – شهری در فرانسه که در آن مارشال پتن حکومت مطیع آلمان را پس از شکست ارتش فرانسه در جنگ دوم جهانی، را در آن تشکیل داد و این حکومت به حکومت ویشی معروف شد که اختیاراتی محدود در بخش محدودی از کشور فرانسه که توسط آلمان و ایتالیا اشغال نشده بود داشت ، این حکومت با اشغال کل فرانسه توسط نازی ها در روزهای آخر جنگ ساقط شد و بعدا اعضای آن به دست متفقین و مقاومت فرانسه افتاده و محاکمه شدند .
- ۷- ورماخت – نیروی زمین ارتش المان در جنگ جهانی دوم که در آغاز پیشرویهایی سریعی داشت ولی بعد به همان سرعت در مقابل متفقین بخصوص ارتش سرخ عقب نشینی کرد و به همراه نیروی هوایی آلمان – لوفت وافه - به بایگانی تاریخ سپرده شد .
- ۸- بایندر – دریادار بایندر فرمانده نیروی دریایی کوچک ایران که قهرمانانه در مقابل تهاجم اعلام نشده ارتش انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ مقاومت نمود و پس غرق دو ناوچه ایرانی در خشکی دست به مقاومت زد و همراه با افسران رشید وفادارش با افتخار به شهادت رسید البته این تنها مقاومت ایران در مقابل متفقین نبود علاوه بر این پایگاه شکاری تهران و بخشهایی از نیروهای مستقر در آذربایجان دست به مقاومتی دلیرانه زدند که مظلومانه به دلیل فرمان ترك مقاومت و عدم پشتیبانی که ناشی از هرج و مرج تسلیم ایران بود مظلومانه به شهادت رسیدند ، گمنامانی که کشور ما تا ابد وامدار شهامت و وطن دوستی ایشان است .